

## ریشه‌های کاپیتولاسیون در ایران پیش از عهد قاجاریه

<sup>۱</sup> حمید اسدپور

<sup>۲</sup> حسین اسکندری

### ❖ چکیده

پیش از دوره قاجار و به‌ویژه دوره صفویه، خصومت با عثمانی، وجود کشورهای استعمارگر مانند پرتغال در خلیج فارس و ضعف نیروی دریایی از یک سو و همچنین توسعه‌طلبی عثمانی در اروپا و نیاز اروپائیان به متحدی برای کاهش فشار از سوی دیگر، باعث گسترش روابط ایران و اروپا شد. در این میان، با گسترش تجارت اروپائیان در ایران و تلاش هر چه بیشتر ایرانیان برای رونق تجارت و بهره بردن از نیروی دریایی اروپا، امتیازاتی به آنان تعلق گرفت که در بین آنها امتیاز کاپیتولاسیون قابل ملاحظه است. این پژوهش کاپیتولاسیون در ایران پیش از عهد قاجاریه و همچنین پیامدهای آن را بررسی خواهد کرد.

### ❖ واژگان کلیدی

کاپیتولاسیون، پیش از قاجار، صفویه، افشاریه، زندیه.

---

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

<sup>۱</sup> مدیر گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر Asadpour22@gmail.com

<sup>۲</sup> دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی - پژوهشگر تاریخ Hoes1355@gmail.com

## مقدمه

کاپیتولاسیون یکی از مظاهر استعمار در کشورهای ضعیف و تحت سلطه است و در طول تاریخ، به ویژه در دوره معاصر، بر بسیاری از کشورهای ضعیف تحمیل شده است و کشور ایران نیز از این امر مستثنی نیست. در بررسی تاریخ ایران، باور رایج این است که پدیده کاپیتولاسیون از دوره قاجاریه و در قرارداد ترکمانچای به شکل رسمی وارد تاریخ سیاسی ایران شده است؛ حال آنکه این پدیده در پیش از دوره قاجاریه نیز در ایران وجود داشته است.

پس از تشکیل حکومت صفوی، ارتباط ایران با اروپاییان بسیار گسترده تر از قبل برقرار شد. وجود امپراتوری قدرتمند عثمانی در کنار مرزهای ایران و دشمنی بین این دو حکومت مسلمان، بر اثر مسائل مذهبی و ارضی موجب شد تا اروپاییان که از سوی امپراتوری عثمانی تحت فشار قرار داشتند، به فکر ایجاد رابطه گسترده با ایران و استفاده از دولت صفوی به عنوان اهرم فشاری برای کاستن از حملات عثمانی به اروپا باشند. از سوی دیگر، به خطر افتادن راه‌های تجاری اروپاییان که از خاک عثمانی می‌گذشت و نیاز آنها به کالاهای ارزشمند ایرانی به ویژه ابریشم و همچنین ایجاد امنیت، تسهیلات لازم و تساهل مذهبی پادشاهانی مانند شاه عباس، موجب مسافرت اروپاییان به ایران در قالب بازرگان، جهانگرد و مسیون‌های مذهبی شد.

صفویه، افشاریه و زندیه برای بهره‌برداری از نیروی دریایی اروپاییان در برابر مخالفان خود و همچنین گسترش تجارت، به اروپاییان نیاز داشتند. گسترش مراودات و نیازهای دوسویه باعث شد که حکومت‌های ایرانی برای اروپاییان، امتیازاتی مشابه کاپیتولاسیون در نظر بگیرند.

پژوهش حاضر، کوششی است برای روشن ساختن مسأله کاپیتولاسیون در ایران پیش از دوره قاجار و پاسخگویی به این سؤالات که چرا حکام ایرانی کاپیتولاسیون را پذیرفتند؟ همچنین این پدیده چه نتایج و پیامدهایی در پی داشته است؟

## کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون در لغت به معنای فصل‌بندی و طبقه‌بندی و از ریشه لاتین "کاپیتولار" گرفته و سپس وارد زبان فارسی شده است. این واژه در نظام حقوقی فرانسه در سده ۱۶ میلادی، مفهوم تاریخی- حقوقی داشت و معمولاً کشورهای نیرومند در کشورهای ضعیف از این حق برخوردار بودند (کاسمینسکی، ۱۳۵۳: ۲۳).

بر طبق کاپیتولاسیون، اتباع بیگانه از قوانین جزائی و مدنی در قلمرو کشور میزبان مستثنی هستند و رسیدگی دعوی حقوقی و جرایم آنها در دادگاه‌های مخصوص و یا محاکمه مختلط و با حضور کشور خارجی انجام می‌گیرد (مدنی، ۱۳۶۱: ۹). در تعاریف دیگر، کاپیتولاسیون را به معنای پیمان‌هایی دانسته‌اند که حقوق داوری کنسولی و حقوق برون‌مرزی را به کشور دیگری در قلمرو میزبان اعطاء می‌کند (اسدالهی، ۱۳۷۳: ۲۴). در واقع، تصمیمات یک جانبه یا عهود و اسناد دیگری که در سرزمین‌های غیرمسیحی به اتباع دولت‌های مسیحی داده شده، اتباع بیگانه در این سرزمین‌ها بدون رعایت اصل متقابل از حضور صلاحیت مقامات قضایی محلی خارج بودند (علی‌بابایی، ۱۳۶۶: ۵۹۵). از آنجا که صلاحیت داوری محلی نمی‌توانست مورد قبول این دول واقع شود، آنها را به تحمیل کاپیتولاسیون و واگذاری امتیازات وادار کردند (سعیدوزیری، ۱۳۵۵: ۸-۵).

## سابقه کاپیتولاسیون

در قرون وسطی "کاپیتولر" به کسی گفته می‌شد که به شورای کاهنان و راهبان و کشیشان وابسته بود. هر کشیش عضو آن شورا، هم مقامی قانونی داشت و هم بر قلمرو شخصی حکم می‌راند و قوانین حاکم بر آن قلمرو را وضع کرده، درآمدهای حاصل از آن را خود دریافت می‌کرد. ژرمن‌ها نیز هنگام غلبه بر امپراتوری روم، قوانین بومی خود را بر آنها تحمیل کردند. همچنین شارل برای اداره امپراتوری‌اش، سالانه دو مجمع عمومی و رسمی تشکیل می‌داد که یکی در بهار برای ساماندهی امور لشکری و دیگری در پاییز برای ساماندهی امور کشوری و فرمانی که در آنها صادر می‌کرد، به کاپیتولر شهرت داشت (کاسمینسکی، ۱۳۵۳: ۲۳). تجار ونیزی نیز که در جریان جنگ‌های صلیبی با

وساطت دو پایگاه دریایی قبرس و مصر و اقامت در این دو، بین اروپا و سرزمین‌های اسلامی به تجارت مشغول بودند، از طریق انعقاد قرارداد با حکام محلی، آنها را به پذیرش ماده‌ای مجبور کردند که بر اساس آن، در صورتی که عوامل آنان مرتکب جرم یا جنایتی می‌شدند، باید به کنسول ونیز مراجعه می‌کردند و بر اساس قوانین خود، محاکمه و مجازات می‌شدند (رانسمان، ۱۳۶۰:۷). آنها همچنین دارالتجاره‌هایی ساختند و برای امنیت خودشان محله‌های خصوصی بنا کردند و تحت آداب و رسوم خود در آن محله‌ها به سر می‌بردند (چلونگر، ۱۳۸۲:۱۰). همچنین در قسطنطنیه به مأموران اعزامی ونیزی اجازه داده بودند به کلیه مسائل حقوقی و جزائی اتباع خود رسیدگی کنند (چلونگر، ۱۳۸۲:۱۱).

### کاپیتولاسیون در ایران قبل از صفوی

سابقه کاپیتولاسیون در ایران به دوره مغول بازمی‌گردد و در این دوره، از طرف کلیسای کاتولیک، هیئت‌هایی به ایران آمدند. فتوحات مغول در آسیا و اروپا و دلایل مذهبی، موجب اعزام میسیون‌های مسیحی به دربار مغولان شده بود. هدف آنها ضربه زدن به دولت‌های اسلامی مانند مملوکان، جلوگیری از نفوذ بیشتر مغولان در اروپا و جبران شکست‌های جنگ‌های صلیبی بود. منگوقاآن، امپراتور مغول در برابر حمایت هیتوم پادشاه مسیحی ارمنستان از لشکرکشی هلاکو، به مسیحیان آسیای صغیر وعده احترام و اعطای مکان‌های مقدس داد (ویلتس، ۱۳۵۳:۱۴۱). هلاکو نیز در برابر هیئت‌های اعزامی پاپ قول داد تا از آنها حمایت کند و از کشیشان و مبلغان مسیحی در قلمرو مغول خراجی دریافت نشود (ویلتس، ۱۳۵۳:۱۴۵). مسیحیان، خان مغول را منجی خود می‌پنداشتند و می‌کوشیدند از قدرت او برای مسیحیانی که در شام و مصر با مسلمانان می‌جنگیدند، استفاده کنند و اسلام را از آسیا و آفریقا براندازند. احتمالاً یورش هلاکو به شام نیز به نوعی با تحریکات مسیحیان صورت گرفته است (اقبال، ۱۳۶۵:۱۹۸). اگر مغول‌ها، آخرین پناهگاه اسلام یعنی شام و شمال آفریقا را تصرف می‌کردند، با توجه به پافشاری صلیبیون عیسوی برای نابودی مسلمانان، مشکل بود که اسلام میان دو دشمن کینه‌توز دوام بیاورد (ویلتس، ۱۳۵۳:۱۴۵).

در سال ۷۰۰ق. / ۱۳۰۰م. غازان خان به جیمز دوم، پادشاه آراگون اسپانیا قول داد که زائران آراگون بدون پرداخت خراج یا مالیات به زیارت بیت‌المقدس بروند و اراضی مقدس را به مسیحیان واگذارد و آنها از غازان خان در برابر مملوکان حمایت کنند (نوائی، ۱۳۶۶:۵۶). در ۷۰۵ق. / ۱۳۰۵م. الجایتو نیز امتیازات فراوانی به تجار ونیزی بخشید و اجازه داد که برای حلّ و فصل دعاوی خود و مردم ایران، کنسول‌هایی به چند شهر ایلخانی بفرستند (اقبال، ۱۳۶۵:۳۴۸). هیئت‌های ونیزی با تأسیس کنسولخانه در شهرهایی مانند تبریز، علاوه بر گسترش روابط بازرگانی با ایران، از مصونیت سیاسی برخوردار شدند (بیانی، ۱۳۷۵:۱۰۵۰).

### کاپیتولاسیون در عهد صفوی

در آغاز دوره صفوی، مسائل سیاسی و اقتصادی موجب گسترش روابط ایران با اروپا گردید. این ارتباط از دوره شاه اسماعیل و با تصرف هرمز به دست پرتغالی‌ها آغاز شد و در دوره شاه عباس به اوج خود رسید. در این میان، ارتباط ایران با کمپانی‌های تجاری سه کشور انگلستان، هلند و فرانسه بیشتر از دیگر اروپاییان بود.

### انگلستان و مسأله کاپیتولاسیون

آغاز روابط ایران و انگلیس در عصر صفویه، به دوره شاه تهماسب و ورود نماینده شرکت تجاری مسکووی به نام آنتونی جنکینسون به ایران بازمی‌گردد. هدف جنکینسون این بود که با خرید ابریشم از ایالات شمالی ایران، با بازرگانان پرتغالی که تجارت ابریشم را به خود اختصاص داده بودند، رقابت کند (نوائی، ۱۳۷۷:۱۱۵)؛ هر چند که جنکینسون در جلب نظر شاه تهماسب ناکام ماند. شاید پادشاه ایران به سبب وفاداری به پیمان صلح با عثمانی و همچنین تعصب مذهبی به این سفیر توجهی نکرد، زیرا در این زمان اوج قدرت عثمانی و دوره سلطنت شاه سلیمان قانونی بود و حفظ این صلح برای تداوم حیات حکومت صفوی بسیار ضرورت داشت. بی‌اعتنائی به این سفیر، موجب داستان‌سرایی اروپاییان از پرسش شاه در باب مذهب این سفیر و انتقادات آنها از

شاه تهماسب شده است، ولی بعید به نظر می‌رسد که شاه از دین و مذهب سفیر و مأموریتش قبل از ملاقات با او اطلاع نداشته است.

در دوره شاه عباس، با ورود برادران شرلی در سال ۱۰۰۹ق. / ۱۶۰۰م. روابط ایران و انگلیس گسترش بیشتری یافت و طبق فرمانی، شاه عباس امتیازات گسترده‌ای به اتباع انگلیسی داد که سنگ بنای کاپیتولاسیون در دوره صفویه شد (ویلسون، ۱۳۶۶: ۱۴۷) و بنابر این فرمان، هیچکس نباید به تجار مسیحی آزاری می‌رساند. همچنین هر فرد در هر مقامی، حق بازرسی و مطالبه عوارض و باج و خراج تحت هیچ عنوانی از انگلیسی‌ها نداشت و افراد روحانی نیز حق نداشتند در امور مذهبی آنها دخالت کنند. در این فرمان، تأکید شده بود که هیچ یک از قضات حق صدور حکمی ضد آنها را ندارند (وحید مازندرانی، ۱۳۵۰: ۶۲). در قسمت دیگری از این فرمان آمده است که هیچ یک از حکام و قضات حق ندارند در مقابل رسیدگی به تظلمات تجار عیسوی حق‌الزحمه‌ای از ایشان دریافت کنند یا از تجار مسیحی بپرسند برای چه مقصودی در ایران اقامت گزیده‌اند (ویلسون، ۱۳۶۶: ۱۴۹).

هدف انگلستان مقابله با پرتغال بود، زیرا پیش از تأسیس تجارتخانه انگلیس در هند، جیمز اول پادشاه انگلستان برای کمک، نامه‌ای به نورالدین محمد جهانگیر پادشاه گورکانی هند ارسال کرد. سپس در ۱۰۱۷ق. / ۱۶۰۸م. نخستین کشتی شرکت هند شرقی به فرماندهی ویلیام هاوکین به سواحل غربی هندوستان گسیل شد. چهار سال بعد، سه کشتی دیگر به فرماندهی سر تامس بست به سواحل هند رسید و قراردادی با حاکم آنجا امضاء نمود و تجارتخانه دایر کرد (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۴۳).

در ۱۰۲۳ق. / ۱۶۱۴م. ریچارد استیل به همراه جان کروثر از سوی کمپانی هند شرقی به ایران آمدند تا از شاه عباس فرمانی در خصوص آزادی رفت و آمد کشتی‌های تجاری کمپانی در خلیج فارس و بنادر ایران دریافت کنند (فلسفی، ۱۳۴۲: ۲۰۳). در ۱۰۲۵ق. / ۱۶۱۶م. شاه عباس فرمانی در خصوص تجارت انگلیسی‌ها، برخورد مهربانانه با آنها و دفاع از جان و مال ایشان صادر کرد (ولایتی، ۱۳۷۴: ۱۳۹). پس از مدتی، هیئتی از بازرگانان انگلیسی به ریاست ادوارد کاناک به بندر جاسک آمدند و سپس به حضور شاه عباس رسیدند. در ۱۰۲۶ق. / ۱۶۱۷م. این هیئت توانست فرمانی از شاه عباس در

خصوص آزادی تجارت به دست آورد. بر طبق این فرمان: «هر کس در هر شهر و ولایت که کنسول انگلیس باشد، نباید به آنها تعدی نماید و چنانچه حاکم محل در خصوص مسائل و مشکلات انگلیسی‌ها عملی انجام ندهد، شاه او را تنبیه می‌نماید. آنها می‌توانند هر قسم اسلحه که بخواهند نگه دارند. اگر کسی از هر طبقه در میان ایشان دزدی یا حرامیگری کرده، در محل انجام جرم کشته شود، حکام متعرض آنها نشوند. اگر دزد یا مجرم مسلمان باشد، حکام در محل با حضور کنسول انگلیس او را مجازات کنند و چنانچه فرنگی باشد، کنسول او را قصاص کند. انگلیسی‌ها در دین و کیش خود آزاد هستند و آنها می‌توانند هر کالایی که بخواهند، وارد ایران کرده، هر چه بخواهند خریداری کرده، حکام بدون ایجاد مزاحمت برای آنها باید هر چه اسب و استر جهت حمل اجناس خود بخواهند، به آنها کرایه دهند (نوایی، ۱۳۶۰: ۶۵). در ماده نوزدهم این فرمان آمده است: «اگر میان مسلمان و افراد انگلیسی در معاملات جزئی، اختلاف روی دهد، لازم است که آنها را نزد کنسول انگلیس بفرستند. همچنین اگر در معاملات اختلاف بیش از بیست تومان باشد، کنسول آنها را نزد ایلچی بفرستد تا او با حضور کنسول و قضات اسلام عمل نماید» (همان: ۷۰-۶۹)، یا «در صورت فوت هر انگلیسی، اموال او توسط کنسول انگلیس ضبط و به وراثت می‌رسد و در صورت فوت فرزندان آنها به کنسول انگلیس سپرده می‌شود» (همان: ۱۳۷۷: ۱۴۹).

در این زمان، دولت انگلستان در اجرای قراردادهای خود با ایران با مشکلات فراوانی روبرو بود، زیرا شمار قابل توجهی از اعضای پارلمان انگلیس بازرگانان بودند و جیمز اول پادشاه آن کشور نتوانسته بود در صحنه بین‌المللی، جنگی علیه هلند طرح‌ریزی کند تا موقعیت کمپانی هند شرقی هلند به عنوان مهم‌ترین رقیب تجاری تضعیف شود. از سوی دیگر، کمپانی هند شرقی و بازرگانان آنان، با تحکیم نسبی موقعیت خود در شرق، حاضر نبودند که نقش میانجی‌گری دولت انگلیس را در رابطه با ایران بپذیرند و خواست آنها این بود که بازرگانان، بدون واسطه با ایران به رابطه اقتصادی ادامه دهند؛ به همین سبب، از جیمز اول حمایت نمی‌کردند (ولایتی، ۱۳۷۴: ۱۳۹).

شاه عباس نیز در نظر داشت که مسیر تجارت و به ویژه تجارت ابریشم را از خاک عثمانی منحرف کند و آن را به مسیر تجارت دریایی بکشانند تا با محروم کردن ترک‌ها از

درآمد این کالا، بتواند درآمد بیشتری به دست آورد؛ همچنین از نیروی دریایی انگلیس در سرکوب پرتغالی‌ها در خلیج فارس بهره گیرد.

جالب آنکه عثمانی‌ها، از مدت‌ها قبل از حکومت صفویه با اعطای امتیازاتی مشابه کاپیتولاسیون، سعی کردند از این امتیاز به نفع خود بهره‌برداری کنند. با بررسی برخی از این امتیازات در دولت عثمانی بهتر می‌توان به اهداف صفویان در واگذاری این امتیازات پی برد.

سلطان محمد فاتح پس از فتح قسطنطنیه فرمان داد تا کشیشان ارتدوکس از مالیات و عوارض معاف شوند و در امور دینی خود آزاد باشند و سلطان بایزید در ۹۱۴ق. / ۱۵۰۸م. امتیازات فراوانی به تجار فرانسوی داد (چلونگر، ۱۳۸۲: ۱۴). دولت ونیز در ۹۲۸ق. / ۱۵۲۱م. طبق پیمانی که با عثمانی بسته بود، امتیازاتی مانند آزادی تجارت، امتیازات حقوقی مربوط به دعاوی و میراث و همچنین امتیازات خاصی برای ایلچی‌هایش به دست آورد (اوزون چارشی لی، ۱۳۶۹: ۵۰۱). در ۹۴۲ق. / ۱۵۳۵م. دولت عثمانی با فرانسه نیز معاهده‌ای امضاء کرد که بر اساس آن، ترک‌ها حوزه قضایی دادگاه‌ها و کنسولی فرانسه را در محدوده امپراتوری خود به رسمیت شناختند و به فرانسوی‌ها آزادی کامل مذهبی و حفاظت از اماکن مقدس اعطاء کردند (راس، ۱۳۷۳: ۳۲۹). همچنین از سوی فرانسوی‌ها، کنسولی در سواحل شام مستقر شد، تا امور مربوط به تجار فرانسوی را مطابق قوانین فرانسه و زیر نظر نماینده این کشور در استانبول انجام دهد. حقوق گمرکی بسیار کمتری به طور کامل بر عهده کنسول فرانسه بود (چلونگر، ۱۳۸۲: ۱۷).

این امتیازات در شرایطی به کشورهای اروپایی مانند فرانسه اعطاء شد که امپراتوری عثمانی در اوج قدرت خود بود. به نظر می‌رسد که امپراتوری عثمانی سعی در تداوم روابط خارجی خود در غرب و ایجاد روابط تجاری در مناطق حاشیه اقیانوس هند، غرب آسیا و آفریقا داشت، زیرا اکثر سرزمین‌های عربی در سواحل مدیترانه و دریای سرخ در اختیار عثمانی‌ها بود و اروپاییان از این طریق به تجارت می‌پرداختند و تجارت آنها برای عثمانی سودآور بود.



هدف دیگر عثمانی، شکست امپراتوری اتریش به عنوان مهم‌ترین مانع در برابر گسترش نفوذ عثمانی در اروپا بود و به همین سبب کوشید که از طریق اتحاد با فرانسه و دادن امتیازاتی، مانع اتحاد این دو قدرت گردد، زیرا پاپ در ۹۴۳ق. / ۱۵۳۶م. سعی کرده بود با برقراری صلح میان دو قدرت، آنها را به جنگ علیه عثمانی برانگیزد؛ هر چند که این اتحاد دوام چندانی نداشت (اوزون چارشی لی، ۱۳۶۹: ۴۰۰). پس سلطان عثمانی با این اتحاد و دخالت در اروپا، برای اروپای قرن شانزدهم نقش متعادل‌کننده داشت و علاوه بر رشد قدرت بین‌المللی خود، مانع اتحاد اروپاییان می‌شد (راس، ۱۳۷۳: ۱۸۳). به یاری اتحاد با فرانسه بود که عثمانی موفق شد در اروپا پیشروی کند؛ چنانکه در ۹۴۷ق. / ۱۵۴۰م. خیرالدین بارباروس، فرمانده نیروی دریایی عثمانی، شکست‌های سنگینی بر نیروی دریایی اروپاییان وارد کرد و بر بیشتر جزایر دریای اژه مسلط شد (یاقی، ۱۳۸۶: ۶۳).

همچنین عثمانی نگران اتحاد بیشتر اروپاییان با ایران و خطرات ناشی از آن در آینده بود. بنابراین، روشن است که صفویان نیز به دلایل سیاسی، نظامی و اقتصادی مشابه عثمانی، امتیازاتی به اروپاییان دادند.

### هلند و مسأله کاپیتولاسیون

از اواسط قرن شانزدهم میلادی، هلندیان به تجارت با کشورهای مشرق زمین پرداختند. آغاز کار هلندیان در ایران و گسترش امور تجاری آنان، با ورود بازرگانی به نام هوبرت و سنیچ<sup>۱</sup> در سال ۱۰۳۲ق. / ۱۶۲۳م. همراه بود. او ابتدا به هرمز و بندرعباس رفت و سپس به حضور شاه عباس رسید. در این زمان، انگلیسی‌ها با کمک ایران بر پرتغال غلبه کرده بودند و قصد داشتند امتیازات بسیاری به دست آورند. شاه عباس نیز از هلندی‌ها استقبال کرد، با این هدف که از رقابت بین کشورهای اروپایی بیشتر بهره گیرد (فلسفی، ۱۳۴۲: ۲۵۶). پس از مدتی، در قراردادی بین دربار ایران و هلند، به تجار هلندی اجازه کسب و کار و تجارت آزادانه در سراسر قلمرو ایران داده شد و آنها برای تجارت هر کالایی آزاد بودند، معاف از حقوق و عوارض گمرکی و فقط وجه مختصری به

<sup>۱</sup>. Huybertvisnich

عنوان راهداری می‌پرداختند و مأموران ایرانی نیز حق ضبط مالالتجاره آنها را نداشتند (ولایتی، ۱۳۷۴:۱۴۶). هلندی‌ها در تمام مناطق ایران از مقیاس و اوزان رایج در کشور خود استفاده می‌کردند و همه حکام ایرانی نیز موظف بودند که برای آنها وسایل سکونت و غذا فراهم کنند و هیچ کس بدون کسب موافقت رئیس هلندیان حق نداشت به منازل آنان وارد شود. بنا بر ماده ۱۳ این قرارداد، اگر یکی از اتباع هلند به دین اسلام در می‌آمد، رئیس هلندی‌ها اجازه داشت کلیه اموال او را مصادره کند و به هر کجا می‌خواهد بفرستد. همچنین، اگر کسی تجار هلندی را به قتل می‌رساند، مقامات قضایی ایرانی حق نداشتند قاتل را محاکمه کنند، بلکه محاکمه او به سرپرست هلندی‌ها واگذار می‌شد (رمضانی، ۱۳۸۷:۴۳). در این قرارداد تأکید شده بود که اگر یک هلندی با زنی رابطه برقرار می‌کرد، مراجع قضایی ایران حق تعقیب او را نداشتند و در صورت تقصیر هلندی، مقامات هلندی باید او را محاکمه می‌کردند (نوایی، ۱۳۷۷:۱۶۳)؛ مستخدمان ایرانی در خدمت آنان نیز به طور کامل مصون بودند (فلسفی، ۱۳۵۲:۱۷۴). این قرارداد، کاپیتولاسیون به معنای واقعی کلمه بود و بیشترین امتیازی که تا آن زمان به اتباع خارجی داده شده بود. این امتیازات در کنار تجارت چند جانبه، زمینه موفقیت هلندی‌ها را فراهم کرد و آنها توانستند از رقبایی مانند انگلستان پیشی بگیرند (فاضل، ۱۳۷۶:۳۱۹). شاه عباس هم سعی کرد با استفاده از این قرارداد و اتحاد با هلندی‌ها به خواسته‌های خود برسد. به همین سبب، موسی بیگ را روانه هلند کرد تا با یاری آنها پرتغالی‌ها را از مسقط براند و از آنها بخواهد تا نمایندگان سیاسی و بازرگانی خود را از عثمانی فرا بخوانند؛ اما آنها پاسخ روشنی ندادند و پیمان آنها در زمان شاه صفی نیز تمدید گردید (رضایی، ۱۳۷۸:۸۷).

### فرانسویان و کاپیتولاسیون

آغاز روابط ایران و فرانسه در دوره صفویه، به سلطنت شاه عباس اول باز می‌گردد: در سال ۱۰۰۸ق. / ۱۵۹۹م. شاه عباس نامه‌ای به آنتونی شرلی داد تا به دربار هنری چهارم برود، اما گویا پاسخ آن داده نشد (لکه‌هارت، ۱۳۶۸:۴۸۳؛ سبیلوالسر، ۱۳۶۴:۹۳). در

۱۰۱۹ق. / ۱۶۱۰م. کشیشی فرانسوی به نام پرژوست<sup>۱</sup> در دربار شاه عباس اول حضور یافت و دربار ایران با نامه‌ای او را به فرانسه گسیل کرد، اما ورود او با قتل هانری چهارم و هرج و مرج در اوضاع فرانسه مصادف شد (مهدوی، ۱۳۸۴: ۱۲۲). در دوره سلطنت لویی سیزدهم (۱۶۴۳-۱۶۱۰م.) و در دوره رقابت بین فرانسه و اسپانیا و همچنین اقتدار فرانسه که با کوشش‌های ریچیلیو صدراعظم آن کشور به دست آمده بود، فرانسه متوجه اهمیت حضور در ایران و به ویژه خلیج فارس شد. در این زمان، فرانسویان کوشیدند تا با فرستادن کشیشیانی به ایران و نفوذ فرهنگی، به نفوذ اقتصادی نیز دست یابند. به همین سبب، در زمان شاه صفی، فرمان‌هایی برای آزادی مسیحیان کاتولیک در ایران صادر شد (همان: ۱۲۳). در زمان لویی چهاردهم (۱۷۱۵-۱۶۴۳م.) و پس از تأسیس کمپانی هند شرقی فرانسه در ۱۰۷۶ق. / ۱۶۶۵م.، کوشش‌های فرانسویان برای نفوذ در ایران دامنه بیشتری یافت و حتی کلبر صدراعظم آن کشور کوشید تا اطلاعات مفصلی راجع به ایران به دست آورد (لکهارت، ۱۳۶۸: ۴۸۵). پس از مدتی کوشش، فرانسویان توانستند فرمانی از شاه عباس دوم مبنی بر معافیت گمرکی بازرگانان فرانسوی در ایران و آزادی مسیحیان کاتولیک دریافت دارند (فاضل، ۱۳۷۶: ۳۱۹). چنانکه تاورنیه در سفرنامه خود از صدور پشم و کرک به فرانسه و آوردن جواهراتی به دربار شاه عباس دوم و معافیت خود از پرداخت حقوق کمرکی و راهداری سخن گفته است (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۲۶۰-۲۵۹). در اواخر قرن هفدهم میلادی، شبیخون‌های اعراب مسقط، موجب ناامنی و خسارت‌های قابل توجه در خلیج فارس شده بود، اما شرکت‌های هند شرقی هلند و انگلیس مایل نبودند در سرکوب اعراب به ایران کمک کنند، زیرا از یک سو نمی‌خواستند با اعراب درگیر شوند و از سوی دیگر حاکمیت ضعیف حکومت صفوی را برای رسیدن به خواسته‌های خود مناسب‌تر می‌دانستند.

در این زمان، شاه سلطان حسین کوشید با فرانسویان رابطه برقرار کند و به همین سبب، شاهقلی خان اعتمادالدوله صدراعظم ایران در ۱۱۱۰ق. / ۱۶۹۸م. نامه‌ای از جانب شاه سلطان حسین به دربار فرانسه فرستاد و ایجاد رابطه بین دو طرف را به اطلاع آنان رساند: شرایط متقابل، دریافت کمک دریایی برای سرکوب اعراب مسقط، تقسیم غنائم،

<sup>۱</sup>. Prejoste

دادن بندر در خلیج فارس به فرانسویان و تهیه مسکن مناسب برای آنها در شهرهای ایران (نوایی، ۱۳۷۷:۲۶۶). ظاهراً این نامه هیچ گاه به فرانسه نرسید و دربار ایران سفیر دیگری به نام میرزا احمدخان حاکم استرآباد را برگزید تا به دربار فرانسه اعزام کند، اما شرکت‌های هلندی و انگلیسی با دادن رشوه، سفیر را از حرکت به فرانسه منصرف کردند (نوایی، ۱۳۶۶:۳۹۹). پس از مدتی، سفیر دیگری از فرانسه به نام میشل در ۱۱۲۰ ق.ا/ ۱۷۰۸ م. به ایران آمد و قراردادی بین طرفین بسته شد. بنابر این قرارداد، فرانسویان می‌توانستند با پرداخت حقوق گمرکی بسیار ناچیزی، مقدار چشمگیری طلا و نقره صادر و وارد کنند و در تکالیف مذهبی خود آزاد باشند. در اختلافات بین فرانسویان نیز، کنسول آن کشور طبق قوانین ایشان رسیدگی می‌کرد (هربرت، ۱۳۴۸:۱۹-۱۲). در ماده ۱۶ این قرارداد تأکید شده بود که در اختلافات بین یک فرانسوی و یک تبعه دولت دیگر، حاکم و مأموران محل، موضوع را باید با حضور کنسول فرانسه بررسی کنند. همچنین بنا بر ماده ۱۷ این قرارداد، «اگر میان یکی از اتباع دول دیگر و رئیس بازرگانان فرانسوی اختلافی روی دهد، قضات ایرانی حق جلب آنها را نداشته، نمی‌توانستند خانه فرانسویان را مهر و موم کنند». در مواقع نیاز، قضات مسلمان باید با حضور کنسول فرانسه تحقیقات خود را انجام می‌دادند (نوایی، ۱۳۶۳:۱۴۹-۱۴۱). در ماده ۲۵ این قرارداد آمده است: هر کس که محل آسایش فرانسویان شود، پنجاه تومان جریمه خواهد شد. حتی به فرانسویان اجازه داده شده بود در تولید و حمل و نقل شراب، به شرط عدم فروش به مسلمانان آزاد باشند (قائم مقامی، ۱۳۴۸:۹۱-۹۰).

اما فرانسه پس از مدتی گرفتار جنگ‌ها و نزاع‌های داخلی شد و شرکت‌های هلندی و انگلیسی نیز ضمن مخالفت با این قرارداد، از شاه لغو آن را تقاضا کردند (سبیلوالسر، ۱۳۶۴:۹۵). با تداوم مشکلات ناشی از حملات اعراب مسقط به سواحل خلیج فارس، دربار ایران سفیر دیگری به نام محمدرضا بیگ به فرانسه فرستاد و در ۱۱۲۷ ق.ا/ ۱۷۱۵ م. قرارداد اولیه بین دو کشور تکمیل شد. بنابر این قرارداد، فرانسویان می‌توانستند بدون پرداخت حقوق گمرکی، آزادانه هر کالایی به ایران صادر و وارد کنند. سفیر فرانسه نیز باید بر همه سفرای برتری و تقدم می‌داشت. علاوه بر آن، تجار ایرانی نیز که به ماری می‌رفتند، مشمول همان معافیت‌ها و امتیازات می‌شدند و کنسولی از طرف ایران در

مارسی مقیم می‌شد تا به دعاوی ایرانیان رسیدگی کند (لکهارت، ۱۳۶۸: ۵۲۴-۵۲۳). جنگ‌های فرانسه و اسپانیا و تضعیف نیروی دریایی فرانسه و همچنین بی‌میلی فرانسویان به شرکت در جنگ با اعراب مسقط، اجرای کامل این قرارداد را به عهده تعویق انداخت. در این زمان، دولت فرانسه ضمن ارتباط با اعراب مسقط در نامه‌ای به آنها اعلام کرده بود: «ما به شما اطمینان می‌دهیم که فرانسه دوست شما است و وقتی کشتی‌های ما با شما برخورد کنند با علائم معمول، دوستی و همکاری خود را اعلام می‌نمایند و مطمئنیم که کشتی‌های شما نیز در باره ما چنین خواهند کرد» (نوایی، ۱۳۷۷: ۲۸۲). با وجود اختلافات بین خود فرانسویان و حمله افغانه به ایران، که موجب سقوط صفویه شد، این قرارداد به مرحله اجراء در نیامد.

### کاپیتولاسیون در دوره افشاریه و زندیه

سقوط صفویه و تسلط افغانه بر ایران و از هم پاشیدگی اوضاع، موجب رکود تجارت و زیان شرکت‌های اروپایی گردید. با ظهور نادر افشار و برقراری ثبات و آرامش در قلمرو ایران، فرصت دوباره‌ای برای کمپانی‌های تجاری غربی فراهم شد. نادر شاه به صورت جدی به ضعف نیروی نظامی ایران در دریا توجه کرد. کوشش نادر برای نگاهداشت بحرین و عمان و به ویژه پس از فرار شماری از افغانه به عمان، شورش محمدخان بلوچ و پناهندگی او به جزیره کیش، از انگیزه‌های نادر برای تشکیل نیروی دریایی بود (وثوقی، ۱۳۹۰: ۳۰۵) و نادر شاه، بدین منظور، حتی به تقویت کشتی‌سازان محلی بندر عباس و بندر کنگ پرداخت (مروی، ۱۳۶۴: ۶۸۱).

هدف نادر شاه از توجه به نیروی دریایی، علاوه بر مسائل نظامی، گسترش و رونق تجارت بود، زیرا از نظر او، یکی از علل سقوط صفویه در زمان شاه سلطان حسین، ضعف منابع مالی و کاهش درآمدهای حکومت و به ویژه درآمدهای ناشی از عوارض گمرکی و بندری کرانه‌های خلیج فارس بود (اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۳۱). نادر شاه کوشید تا از وجود کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند در ساختن نیروی دریایی بهره گیرد، اما موفق نشد (لکهارت، ۱۳۵۷: ۲۷۰). بنابراین، هدف او از اعطای امتیازات به اروپائیان، مسائل نظامی و تجاری بود.

در امتیازاتی که در دوره نادر شاه به انگلیسی‌ها اعطاء شد، علاوه بر معافیت‌های مالیاتی و راهداری، اجازه ورود مشروبات الکلی و تأدیب و مجازات کارکنان و خدمتکاران کمپانی هند شرقی به دست عمال کمپانی قابل توجه است (شعبانی، ۱۳۶۹: ۴۵۷-۴۵۶) و این امتیازات، به کاپیتولاسیون شباهت داشت. از سوی دیگر، ایرانیان، حق نداشتند صندوق‌های محتوی کالاهای انگلیسی را بازرسی کنند و کلیه تسهیلات باید در اختیار بازرگانان انگلیسی قرار می‌گرفت (همان: ۴۶۸). در دوره نادر شاه، تجارت تا حدی رونق گرفت، گرچه کوشش‌های نادر شاه برای رونق تجارت و تشکیل نیروی دریایی با قتل او ناکام ماند و در نزاع‌ها بر سر جانشینی وی، آرامش از ایران رخت بر بست.

در دوره کریم خان زند، ثبات نسبی در ایران پدیدار شد، گرچه کریم خان نیز، در خلیج فارس با مشکلاتی مانند گسترش قدرت میر مهنا حاکم بندرریگ، توسعه قدرت امام مسقط و کعبی‌ها و همچنین رقابت بصره با بندر ایران مواجه بود. او برای حل مشکلاتش و بهره‌گیری از نیروی دریایی غربی‌ها و سود بردن از تجارت با کمپانی‌های اروپایی، به آنها امتیازاتی بخشید.

در قرارداد کریم خان با انگلیسی‌ها که با کوشش شیخ سعدون حاکم بوشهر بسته شد، مواردی مانند معافیت‌های گمرکی، آزادی مذهبی و خرید آزادانه زمین در مناطق مختلف را در نظر گرفتند (همان: ۱۳۷۷: ۱۸۷). در این قرارداد تأکید شده بود که اگر سرباز یا ملاحی انگلیسی از خدمت خود فرار کرد، باید تسلیم انگلیسی‌ها گردد. همچنین اگر اهالی ایران به انگلیسی‌ها مقروض باشند، باید حاکم محل، شخص مقروض را سریعاً به پرداخت دیون خود مجبور کند (نوایی، ۱۳۵۶: ۲۱۲). تسلیم انگلیسی به یک انگلیسی دیگر و اجبار ایرانیان به پرداخت سریع دیون، از نمونه‌های گسترش نفوذ قضایی عمال انگلیسی در ایران است.

روسو، نماینده کمپانی هند شرقی فرانسه نیز، خواهان عقد قراردادی با زندیه بود که در آن امتیازات تجاری و حق داوری کنسولی گنجانده شود (همان: ۲۲۱). به نظر ویلسون، کریم خان امتیازی به انگلیسی‌ها داد که بنابر آن، مأموران انگلیسی از همه قوانین و مقررات ایران مستثنی شده بودند (ویلسون، ۱۳۶۶: ۲۰۹). مسلم است که استثناء از همه مقررات، شامل مقررات و مسائل قضایی یعنی همان کاپیتولاسیون نیز

می‌گردید. در دوره جعفرخان زند هم این امتیازات برای انگلیسی‌ها تجدید شد (اسدپور، ۱۳۸۷: ۲۷۰) و در واقع مأموران انگلیسی کوشیدند در قراردادهای خود، مسأله استقلال قضایی انگلیسی‌ها را بگنجانند و این موضوع، نشانه‌ای از ناآگاهی مقامات ایرانی است (حائری، ۱۳۸۷: ۲۱۰)؛ هر چند که در کنار ناآگاهی، نیاز آنها به غربی‌ها را نیز باید در نظر گرفت.

با وجود این قراردادها، باز هم روابط اروپاییان و به ویژه انگلیسی‌ها با کریم خان پایدار نبود. وجود بنادری مانند بصره برای تجارت آنها، کوشش خان زند برای جلوگیری از خروج پول از ایران، عدم برخورد کریم خان با اعراب بنی‌کعب و مشکلات ایجاد شده از سوی آنها برای انگلیسی‌ها و همچنین عدم همکاری کامل انگلیس در سرکوب میر مهنا در این امر تأثیر داشت (پری، ۱۳۸۱: ۳۷۴ و ۳۷۰). کریم خان پس از مدتی درگیری با کعبی‌ها با پذیرش شیخ سلمان، رهبر کعبی‌ها مبنی بر پرداخت مالیات سالیانه به خان زند، با آنها روابط دوستانه برقرار کرد (غفاری، ۱۳۶۹: ۱۴۲)، البته با وجود سرکوب میر مهنا و نیاز کمتر به اروپاییان، کریم خان باز هم برای رونق تجارت به آنها نیاز داشت. در این زمان، کریم خان با حیدر علی، یکی از حکام معروف هند و از دشمنان انگلیس، برای امور تجاری و نیروی دریایی ارتباط برقرار کرد، هر چند که این ارتباط به شکل گسترده‌ای تداوم نیافت (پری، ۱۳۸۱: ۲۷۹).

### نتیجه

در فرمان‌های حکام ایرانی و به ویژه از دوره شاه عباس به بعد، نمونه‌هایی مشابه برای کاپیتولاسیون می‌توان یافت. ضعف نیروی دریایی ایران در مقابله با قدرت‌هایی مانند پرتغالی‌ها و اعراب مسقط از یک سو و از سوی دیگر، توجه پادشاهان ایران به امر تجارت و نیاز آنها به سرمایه کافی و متحدان قدرتمند برای مقابله با قدرت‌هایی مانند عثمانی، در واگذاری امتیازات مشابه کاپیتولاسیون تأثیر تمام داشت.

کاپیتولاسیون در این دوره، تحمیلی و یک طرفه نبود و به نوعی موجب رونق اقتصادی و بهره‌گیری از رقابت‌ها بین کمپانی‌های اروپاییان شد. در این زمان، دولت‌های ایران و اروپا با طرز تلقی و دیدگاه‌های متفاوت به همکاری و انعقاد قراردادهای دو جانبه

پرداختند. دربار ایران با دیدگاه سیاسی و دریافت کمک از اروپا، در کنار سود جستن از مسائل تجاری و بالعکس، کمپانی‌های اروپایی با دیدگاه‌هایی بیشتر مبتنی بر امور اقتصادی به ایران روی آوردند. در اوج ضعف ایرانیان نیز قراردادهای متقابل بود و جنبه‌ی تحمیلی نداشت. این قراردادها به طور عمده با شرکت‌های تجاری اروپا منعقد می‌شد. غربی‌ها در این دوره بیشتر به منافع تجاری توجه داشتند، نه منافع سیاسی و نمی‌توانستند قراردادهای یک جانبه بر ایران تحمیل کنند. فرمانروایان ایران، نیز بدون آگاهی کامل از مسأله‌ی قضاوت کنسولی، می‌کوشیدند نیازهای خود را با انعقاد این قراردادها رفع کنند.



## منابع و مأخذ

- اسدالهی، مسعود، ۱۳۷۳، *احیاء کاپیتولاسیون و پیامدهای آن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- اسدپور، حمید، ۱۳۸۷، *تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در دوره افشاریه و زندیه*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۶۵، *تاریخ مغول*، تهران: امیرکبیر.
- اوزون چارشی لی، اسماعیل حقی، ۱۳۶۹، *تاریخ عثمانی*، جلد ۲، ترجمه: ایرج نوبخت، تهران: کیهان.
- بیانی، شیرین، ۱۳۷۳، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، جلد ۳، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پری، جان، ۱۳۸۱، *کریم خان زند*، ترجمه: علی محمد ساکی، تهران: آسونه.
- تاورنیه، ژان بابتیست، ۱۳۳۶، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه: ابوتراب نوری، تهران: سنایی.
- چلونگر، محمدعلی، ۱۳۸۲، *کاپیتولاسیون در تاریخ ایران*، تهران: مرکز.
- حائری، عبدالهادی، ۱۳۸۷، *نخستین رویارویی‌های ایرانیان با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر.
- راس، لردکین، ۱۳۷۳، *قرون عثمانی*، ترجمه: پروانه ستاری، تهران: کهکشان.
- رانسمان، استیون، ۱۳۶۰، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، جلد ۲، ترجمه: منوچهر کاشف، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رضایی، عبدالعظیم، ۱۳۷۸، *گنجینه تاریخ ایران*، جلد ۱، تهران: اطلس.
- رمضانی، عباس، ۱۳۸۷، *معاهدات تاریخی ایران*، تهران: ترفند.
- سییلاوالسر، شوستر، ۱۳۶۴، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان*، ترجمه: غلامرضا ورهرام، تهران: امیرکبیر.
- سعیدوزیری، ایرج، ۱۳۵۵، *نظام کاپیتولاسیون و الغای آن در ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- شعبانی، رضا، ۱۳۶۹، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*، تهران: نوین.

- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۷، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، تهران: سمت.*
- علی‌بابایی، غلامرضا، ۱۳۶۶، *فرهنگ علوم سیاسی، جلد ۲، تهران: ویس.*
- غفاری، ابوالحسن، ۱۳۶۹، *گلشن مراد، به اهتمام: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین.*
- فاضل، احمد، ۱۳۷۶، *شاه عباس دوم و زمان او، تهران: مؤسسه فرهنگی ضریح.*
- فلسفی، نصرالله، ۱۳۵۲، *زندگانی شاه عباس اول، جلد ۵، تهران: دانشگاه تهران.*
- \_\_\_\_\_، ۱۳۴۲، *سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.*
- قائم‌مقامی، جهانگیر، ۱۳۴۸، *یکصد و پنجاه سند تاریخی ایران از جلایریان تا پهلوی، تهران: ستاد ارتش.*
- لکه‌پارت، لارنس، ۱۳۶۸، *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه، ترجمه: مصطفی قلی عماد، تهران: مروارید.*
- \_\_\_\_\_، ۱۳۵۷، *نادر شاه، ترجمه: مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر.*
- مدنی، سید جلال، ۱۳۶۱، *تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.*
- مروی، محمدکاظم، ۱۳۶۴، *عالم آرای نادری، به تصحیح: محمدامین ریاحی، تهران: کتابفروشی زوآر.*
- نوایی، عبدالحسین، ۱۳۶۰، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۸ ق، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.*
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ق، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.*
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۶، *تاریخ ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران: هما.*
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۷، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران دوره صفویه، تهران: سمت.*
- \_\_\_\_\_، ۱۳۵۶، *کریم خان زند، تهران: فرانکلین.*
- وثوقی، محمدباقر، ۱۳۹۰، *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: سمت.*
- وحیدمازندرانی، غلامعلی، ۱۳۵۰، *مجموعه نامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی، تهران: وزارت امور خارجه.*

ریشه‌های کاپیتولاسیون در ایران پیش از عهد قاجاریه / ۹۷

ولایتی، علی اکبر، ۱۳۷۴، *تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس صفوی*، تهران: وزارت امور خارجه.

ویلتس، دوراکه، ۱۳۵۳، *سفیران پاپ به دربار خانان مغول*، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: خوارزمی.

ویلسون، سر آرتور، ۱۳۶۶، *خلیج فارس*، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی.  
هربرت، موریس، ۱۳۴۸، *محمد رضا بیگ سفیر ایران در دربار لوئی چهاردهم*، ترجمه: عبدالحسین وجدانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۸۴، *تاریخ روابط خارجی ایران از صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران: امیرکبیر.

یاقی، اسماعیل احمد، ۱۳۸۶، *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال*، ترجمه: رسول جعفریان، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

یویچ کاسمینسکی، الکس، ۱۳۵۳، *تاریخ قرون وسطی*، ترجمه: محمدباقر مؤمنی، تهران: اندیشه.